

ارزیابی و امکان‌سنجی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی با تأکید بر حقوق ایران

جعفر نظام‌الملکی*

چکیده

ایجاد مراجع قضایی استثنایی برای دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی دارای مزایا و در مقابل معایبی چند است. هزینه بالای بدون توجه، زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف، تضعیف عمومیت‌نگری در قضات، دشواری دسترسی عمومی افراد به این مراجع و تضعیف استقلال دادگاه مهم‌ترین معایبی است که برای مراجع قضایی استثنایی رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی مطرح گردیده است. در مقابل، ایجاد و حفظ رویه خاص یکپارچه و منسجم در دکتین و رویه قضایی، ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی، بهبود و تسریع فرایند رسیدگی و صدور آرا در این حوزه، کاهش هزینه‌های مربوط به دادخواهی نزد مراجع قضایی، پویایی سیستم قضایی یک کشور در زمینه تحولات علمی و عملی در حوزه مالکیت صنعتی و بهبود حمایت از کسب‌وکار مهم‌ترین مزایای این نوع از مراجع هستند. مقاله حاضر درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی بر اساس توجه به جنبه کاربردی و عملی موضوع به ارزیابی و امکان‌سنجی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی مالکیت صنعتی بر مبنای مزایا و معایب مذکور بپردازد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد مراجع قضایی استثنایی در هر یک از اشکال و صور آن برای تمامی کشورها کارآمد نبوده و در کشورهایی همچون کشور ما ایجاد آن‌ها به واسطه وضعیت مالکیت صنعتی، حجم دعاوی و شکایات مربوط و ساختار و سازمان مراجع قضائتی و نحوه رسیدگی آن‌ها فاقد توجیه است. در حال حاضر در حقوق ایران الگوی اتخاذی در مواد ۸ و ۹ لایحه آیین دادرسی تجاری مبنی بر تشکیل دادگاه‌های تجاری در کلیه مراکز استان‌ها (ماده ۸)، که برخی از شعب آن به مالکیت فکری اختصاص یابد (ماده ۹)، منوط به آنکه صلاحیت این دادگاه‌های تجاری نسبت به رسیدگی به جرایم مالکیت صنعتی نیز تعمیم یابد، الگوی بسیار مناسبی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مطلوبیت، مراجع قضایی استثنایی، حقوق مالکیت صنعتی، حقوق ایران

مقدمه

هر حق آنگاه حق در مفهوم واقعی خود تلقی می‌شود که در عمل قابل مطالبه و احقاق باشد. در هر نظام حقوقی علاوه بر قواعد ماهوی در مقام ثبوت حق (حقوق تعیین‌کننده)، قواعد مربوط به اثبات و اجرای حق (حقوق تضمین‌کننده) نیز جزئی لاینفک است (شمس، ۱۳۹۶: ۱۸). حقوق مالکیت فکری نیز از این قاعده مستثنا نیست. این چنین در مباحث مربوط به ساختار و مدیریت حقوق مالکیت فکری یکی از اجزای اصلی را ضمانت اجرای آن دانسته‌اند (عباسی و اخگر، ۱۳۹۱: ۱۳۵ و ۲۵۰ و ۲۸۰ و ۲۸۹). اهمیت اجرای حق در حوزه حقوق مالکیت فکری تا حدی است که بر مبنای شواهد تاریخی و تجربی اجرای مطلوب و حمایت متناسب از حقوق مذکور نتایج کارآمدی در کشورهای دارای سطوح مختلف توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی و بخش‌های مختلف اقتصادی دارد (Li, Xuan and M. Correa, 2009: 3).

ضمانت اجرای حق در گرو وجود مراجع دادگستری جهت اعمال و اجرای آن است. امروزه برای اجرای حق، صرف نظر از مراجعه به محاکم دادگستری، برخی طرق دیگر با عنوان طرق جایگزین حل اختلاف شامل داوری، میانجیگری، سازش و... پیش‌بینی گردیده است. در این میان داوری مهم‌ترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. این همه در حالی است که، در حوزه حقوق مالکیت فکری با توجه به تردیدهای موجود در زمینه داوری‌پذیری دعاوی حقوق مالکیت فکری (در این زمینه نک: بهمنی و شیخ‌عطار، ۱۳۹۵: ۶۴-۳۱ و شیروی، ۱۳۹۱: ۸۳ و حبیبی و شوشتری: ۱۳۹۹: ۱۶۵-۱۴۷) مراجع دادگستری نقش و موقعیت ویژه‌ای در زمینه حل و فصل اختلافات مالکیت فکری می‌یابند.

حقوق مالکیت فکری به دو شاخه اصلی حقوق مالکیت صنعتی^۱ و حقوق مالکیت ادبی و هنری^۲ تقسیم می‌گردد. حقوق مالکیت صنعتی مجموع حقوق و سلطه یا اقتداری است که بر موضوعات مختلف صنعتی، نظیر اختراعات^۳ و هرگونه پدیده خلق شده‌ای که خصوصیات صنعتی یا تجاری داشته باشد بار می‌شود و به مالک آن حق می‌دهد تا به‌طور انحصاری ولی موقتی از آن بهره‌برداری کند (امامی، ۱۳۹۰: ۳۶۲). این چنین حقوق مالکیت صنعتی با نوآوری‌ها در حوزه مالکیت صنعتی مرتبط است و دارای جنبه تخصصی و فنی می‌باشد. بر این اساس در فهم مسائل حقوقی این حوزه فهم ابتدایی از مفاهیم فنی نیز لازم است. در این راستا همواره در کشورهای مختلف این نظریه مطرح و حتی اعمال گردیده است که رسیدگی به دعاوی و شکایات در این حوزه توسط مراجع خاص و

1. Industrial Property Law
2. Literary and Artistic Law
3. Patents

استثنایی به عمل آید. البته این امر نسبی بوده و تابع مؤلفه‌های چندی از منظر وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی، حجم دعاوی و شکایات و ساختار و سازمان مراجع قضاوتی و نحوه رسیدگی آن‌ها و همچنین ارزیابی مزایا و معایب این نوع مراجع در آن کشور است. بنابراین، قبل از تشکیل این نوع مراجع در هر کشوری باید به این سؤال اساسی پاسخ داد که آیا تشکیل مراجع قضایی استثنایی در آن کشور بر مبنای جهات مذکور مطلوبیت دارد یا خیر؟

مقاله حاضر درصدد است به ارزیابی و امکان‌سنجی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی با تأکید بر حقوق ایران بپردازد. در این راستا نخست به ارزیابی عمومی مطلوبیت این نوع از مراجع به‌طور کلی پرداخته و سپس به ارزیابی اختصاصی مطلوبیت مذکور در اشکال و مدل‌های مختلف مراجع قضایی استثنایی، یعنی مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و تجدیدنظر، مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و همچنین مراجع قضایی استثنایی در مرحله تجدیدنظر خواهیم پرداخت. در نهایت و بر مبنای مطالب مذکور ارزیابی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای حقوق ایران آخرین و مهم‌ترین قسمت مقاله حاضر را به خود اختصاص خواهد داد.

۱. ارزیابی و امکان‌سنجی عمومی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی در دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی

در بحث از ارزیابی عمومی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی در دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی نخست به بررسی معایب مراجع قضایی مذکور پرداخته، سپس مزایای مراجع مذکور مورد بحث واقع می‌گردد و در نهایت بر مبنای مزایا و معایب مذکور به جمع‌بندی کلی در خصوص مطلوبیت آن‌ها اقدام می‌گردد.

۱-۱. معایب مراجع قضایی استثنایی در دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی

مهم‌ترین معایب مراجع قضایی استثنایی در دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی عبارتند از هزینه بالای بدون توجیه، زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف، تضعیف عمومیت‌نگری در قضات، دشواری دسترسی عمومی افراد به این مراجع و تضعیف استقلال دادگاه که در ذیل به تبیین هر یک از این موارد می‌پردازیم.

۱-۱-۱. هزینه بالای فاقد توجیه

در غالب منابعی که به بررسی مزایا و معایب مراجع قضایی استثنایی در حوزه حقوق مالکیت صنعتی پرداخته‌اند اولین و مهم‌ترین معایب این نوع مراجع هزینه بالای فاقد توجیه ذکر گردیده

است.^۱ در اینجا منظور از هزینه، هزینه دادرسی نمی‌باشد، بلکه منظور هزینه‌های عمومی ایجاد و اداره مراجع قضایی استثنایی در زمینه مالکیت صنعتی می‌باشد (رئیس، ۱۳۸۸ و de Werra, 2019).

هزینه‌های فوق از یک سو ناظر بر هزینه‌های ایجاد، نگهداری و اداره روزمره برخی دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به دعاوی مالکیت صنعتی، آن هم به صورت مستقل، به عنوان مرجع قضایی دارای صلاحیت انحصاری، بوده و از سوی دیگر ناظر بر هزینه آموزش نیروی انسانی و متعاقباً به کارگیری قضات و کارمندان متخصص در حوزه عملکرد خود در زمینه دعاوی مالکیت صنعتی است (International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007). البته با توجه به سیر تحولات این حوزه آموزش و تخصص مذکور در وهله‌های زمانی باید با آموزش جدید یا به کارگیری نیروهای جدید به روزرسانی گردد. امری که قطعاً مستلزم صرف هزینه فراوان است. مسئله هزینه فراوان غیرقابل توجیه از یک سو تابع متغیر قابلیت و توان یک کشور در تأمین هزینه فوق و از سوی دیگر حجم دعاوی مالکیت صنعتی در آن کشور می‌باشد. بدیهی است اگر کشوری توان تأمین مخارج دادگاه‌های انحصاری برای دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی را نداشته باشد توجیهی برای ایجاد دادگاه‌های مذکور باقی نمی‌ماند. به علاوه حتی در فرض وجود توان ایجاد چنین دادگاه‌هایی در یک کشور باید ضرورت و توجیه قابل قبولی در این زمینه از حیث حجم دعاوی و شکایات موجود باشد؛ زیرا برای تعداد محدود دعاوی و شکایات نمی‌توان دادگاه استثنایی را با صرف هزینه سنگین ایجاد نمود. بنابراین ایجاد یا عدم ایجاد دادگاه‌های استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی تابع دو مؤلفه اساسی است: ۱. قابلیت ایجاد و اداره این نوع از دادگاه‌ها از حیث توان اقتصادی و ۲. قابلیت توجیه ایجاد این نوع از دادگاه‌ها بر مبنای حجم و تعداد زیاد دعاوی و شکایات در حوزه مالکیت صنعتی.

معیارهای فوق نسبی بوده و تابع شرایط و موازین یکسانی در کشورهای مختلف نیست و ممکن است از کشوری تا کشور دیگر متفاوت باشد؛ چنان‌که به طور مثال برای یک کشور در حال توسعه، حتی در فرض وجود دعاوی و شکایات متعدد در حوزه مالکیت صنعتی، فقدان توان ایجاد دادگاه انحصاری و مستقل در عمل مانع ایجاد چنین دادگاهی خواهد بود، اما در مقابل برای یک کشور

۱. در این زمینه نک: رئیس، ۱۳۸۸: ۱۳۴ و ۱۳۵ و منابع انگلیسی ذیل:

International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007: 28 and de Werra, 2016 and International Intellectual Property Institute (IIP) and the United States Patent and Trademark Office (USPTO), 2012: 7 and 8.

توسعه‌یافته، با حجم دعاوی و شکایات کمتر، سیاست‌ها و چشم‌اندازهایی همچون ارتقای حقوق مالکیت صنعتی یا جذب سرمایه‌گذاری‌های دانش‌بنیان توسط مبتکرین سایر کشورها در کشور مذکور، به خوبی ایجاد دادگاه‌های انحصاری و مستقل برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مربوط به حقوق مالکیت صنعتی را توجیه می‌نماید.

در مجموع باید گفت آنچه از آن با عنوان هزینه بالای فاقد توجیه، به‌عنوان یکی از معایب حقوق مالکیت صنعتی، یاد می‌شود، معیاری نسبی بوده و نه مانعی دائمی. با اتخاذ سایر مؤلفه‌ها همچون ارتقای حقوق مالکیت صنعتی یا جذب سرمایه‌گذاری‌های دانش‌بنیان توسط مبتکرین سایر کشورها، جلوگیری از خروج و فرار نخبگان در حوزه مالکیت صنعتی، با فرض وجود حجم متوسط دعاوی و شکایات حقوق مالکیت فکری، حتی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، دیگر مانع و عیب هزینه بالای فاقد توجیه موضوعیت نداشته و می‌بایست نسبت به ایجاد این نوع مراجع به‌عنوان اقدامی در مسیر توسعه اقدام گردد؛ زیرا به شرحی که در بحث از مزایا خواهد آمد نفس حمایت‌های قضایی مناسب در قالب مراجع تخصصی در حوزه حقوق مالکیت صنعتی موجب بهبود حمایت از کسب‌وکار، ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و پویایی سیستم قضایی در زمینه تحولات علمی و عملی حوزه مالکیت صنعتی می‌گردد؛ اموری که نقش ویژه‌ای در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا می‌نماید.

۲-۱-۱. زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف

یکی از معایب جدی و مهمی که در ارتباط با ایجاد و استفاده از دادگاه‌های انحصاری حقوق مالکیت فکری مطرح گردیده زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف می‌باشد. این امر از جهات مختلف مطرح گردیده است: نخست آنکه این نوع از دادگاه‌ها احتمال سوءاستفاده توسط برخی از اصحاب دعوا را فراهم می‌سازد؛ بدین نحو که، با توجه به ارجاع تمامی دعاوی مالکیت صنعتی به این نوع از مراجع اصحاب دعوا شناخت ویژه‌ای نسبت به آن‌ها و قواعد حاکم بر آن پیدا می‌نمایند. در این وضعیت این‌گونه افراد به دلیل اقامه مکرر دعاوی از راه‌های فرار و دور زدن قانون تا حدود زیادی مطلع گردیده و ممکن است دعوا را با سوءاستفاده از این اطلاعات اقامه نمایند (رئسی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). مورد دیگری که در ارتباط با زمینه‌سازی سوءاستفاده به‌واسطه ایجاد این نوع مراجع قضایی مطرح گردیده احتمال تبانی است؛ بدین نحو که، با توجه به وجود تعداد محدود قضات و کارمندان اداری و وکیل در این مراجع به‌واسطه ماهیت تخصصی آن‌ها زمینه ایجاد تبانی بین قضات و یا کارمندان اداری با وکلای متخصص در این نوع دعاوی و شکایات افزایش می‌یابد. در نهایت اینکه گفته شده است تعداد محدود قضات و کارمندان اداری و وکلای مورد استفاده در دعاوی و شکایات مالکیت

صنعتی و ایجاد آشنایی و صمیمیت در بین آنها عملاً موجب کاهش غیر موجه رسمیت مورد نظر در این نوع مراجع و تعامل و اقدامات در قالب غیررسمی و در نتیجه تضعیف تشریفات ضروری در ارتباط با این نوع دعاوی و شکایات و نحوه اداره دادگاه‌ها و دعاوی و شکایات مذکور می‌گردد (International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007). البته به نظر می‌رسد این عیب، بیش از آنکه به نفس ایجاد مراجع استثنایی برگردد، ناظر بر ساختار قضایی کشور و ضعف در میزان و کیفیت نظارت سازمانی بر سلامت و یا فساد مراجع رسیدگی کننده می‌باشد.

۳-۱-۱. تضعیف عمومیت‌نگری در قضات

یکی دیگر از معایب ایجاد مراجع قضایی استثنایی را تضعیف عمومیت‌نگری در قضات دانسته‌اند؛ بدین معنا که ایجاد مراجع قضایی استثنایی عملاً موجب تک‌بعدی شدن قضات رسیدگی کننده و تضعیف عمومیت‌نگری حقوقی در آنها می‌شود؛ یعنی قاضی دیگر به مسائل خارج از حوزه حقوق مالکیت صنعتی اشراف و توجهی نخواهد داشت. این امر دارای تبعات سوء چندی است؛ از جمله و به‌ویژه آنکه با توجه به اینکه برخی از دعاوی و شکایات در حوزه حقوق مالکیت صنعتی از حیث حقوقی چندبعدی است و با سایر حوزه‌های حقوق در ارتباط است قاضی دیگر قادر به رسیدگی کامل و مطلوبی به این نوع از دعاوی و شکایات نخواهد بود. اثر سوء دیگر این وضعیت آن خواهد بود که با توجه به تک‌جانبه‌نگری فوق عملاً حوزه حقوق مالکیت صنعتی از سایر حوزه‌های حقوقی مهجور افتاده و از تحولات و توسعه حقوق به‌طور کلی محروم خواهد ماند (Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007). به‌علاوه همواره در تمامی رسیدگی‌ها صرف‌نظر از نوع و ماهیت دعوا و شکایت اصول و قواعد عامی حاکم است که تک‌جانبه‌نگری قاضی می‌تواند به تضعیف اصول یا همان آیین دادرسی عام در دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی بیانجامد.

به نظر می‌رسد در هر حال با ایجاد مراجع استثنایی هم دعاوی مختلط و چندوجهی در این مراجع مطرح و رسیدگی خواهد شد؛ لذا به تدریج قضات این مراجع نیز فراتر از جنبه‌های اختصاصی نسبت به ابعاد عمومی حقوقی مرتبط با این دعاوی تا حدودی اشراف خواهند یافت؛ از این منظر نمی‌توان گفت نقیصه تضعیف عمومیت‌نگری در قضات در مراجع قضایی استثنایی امری اجتناب‌ناپذیر و لاینفک است، که مطلقاً قابل‌رفع یا کنترل نیست. به‌علاوه اتخاذ مدل‌های ترکیبی و مختلط، که در آن یکی از مراجع بدوی و یا تجدیدنظر به‌صورت استثنایی بوده اما دیگری از زمره مراجع عمومی باشد، تا حدودی این نقیصه را تضعیف می‌نماید.

۴-۱-۱. دشواری دسترسی عموم افراد به این مراجع

یکی از ایرادات و معایب شایعی که در ارتباط با ایجاد و استفاده از دادگاه‌های استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی مطرح است بحث دشواری دسترسی جغرافیایی اشخاص به آن‌ها می‌باشد؛ زیرا با توجه به ماهیت انحصاری این مراجع و حجم محدود دعاوی و شکایات حقوق مالکیت فکری قطعاً این مراجع در نقاط محدودی ایجاد می‌گردد. در نتیجه اشخاصی که در سایر نقاط کشور حضور دارند با دشواری دسترسی جغرافیایی به این دادگاه‌ها مواجه بوده و این خود هزینه‌های ناروایی را بر اشخاص مذکور تحمیل نموده و در نهایت متضمن نوعی تبعیض ناروا برای اشخاص مختلف در بهره‌مندی از این نوع مراجع جهت احقاق حقوق خود است. در سوی دیگر قضیه نیز در ارتباط با خوانده یا طرف شکایت نیز تحمیل بعد مسافت و هزینه‌های رفت‌وآمد و... بر ایشان جهت حضور در دادگاه و پاسخ‌گویی به دعوا یا شکایتی که علیه وی مطرح گردیده است توجیهی ندارد. به نظر می‌رسد این ایراد در شرایطی مطرح است که در حوزه ایجاد دادگاه‌های استثنایی، تقسیم جغرافیایی به خوبی لحاظ و اعمال نگردد؛ مشابه آنچه در حال حاضر در نظام حقوقی کشورمان حاکم است. توضیح آنکه مطابق ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری دعاوی و شکایات حوزه مالکیت صنعتی در صلاحیت شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران، که به این دعاوی اختصاص می‌یابد، خواهد بود. این چنین اشخاص متضرر علاوه بر خساراتی که دیده‌اند باید هزینه سنگین مراجعه به تهران و اقامت موقت بابت پیگیری و حضور در شعب مذکور را نیز متحمل گردند.^۱ این چنین اگر مقرر باشد به شیوه کنونی عمل شود، و تنها شعب خاصی از تهران به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی رسیدگی نمایند، بر مبنای ایراد عدم دسترسی همگانی به این شعب همان رسیدگی دادگاه‌های عمومی در سطح کشور به این نوع دعاوی معقول‌تر و مطلوب‌تر جلوه می‌نماید. بر این اساس ایراد مطرح شده در شرایط کنونی کشورمان مصداق دارد و این امر گاه باعث انصراف دارندگان حقوق اموال فکری از اقامه دعوی و در نتیجه جری شدن ناقضان این حقوق می‌شود (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۲۵). در مقابل اگر تقسیمات جغرافیایی در حوزه دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به دعاوی مالکیت صنعتی اعمال گردد و لااقل در سطح مراکز استان‌ها دادگاه‌هایی برای رسیدگی به این دعاوی اختصاص یابد این ایراد تا حدود زیادی مرتفع خواهد گردید.

۱. البته اخذ وکیل از حوزه قضایی تهران تا حدودی این موضوع را منتفی خواهد نمود؛ ولی مادامی که لزوم به کارگیری وکیل به الزام سراسری در کشور ما تبدیل نشود باید برای خود اشخاص حق حضور شخصی در مراجع قضایی را قائل بود و مقدمات آن را فراهم نمود.

۵-۱-۱. تضعیف استقلال دادگاه

یکی دیگر از معایب ایجاد و استفاده از دادگاه‌های استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی را تضعیف استقلال دادگاه دانسته‌اند، که موجب آسیب‌پذیری بیشتر دادگاه در قبال امور سیاسی و اقتصادی جاری جامعه می‌گردد. در تبیین چرایی این امر گفته شده است تضعیف رسمیت‌انگاری و تشریفات در این نوع دادگاه‌ها و در واقع تعاملات غیررسمی ناشی از آشنایی اصحاب دعوا با قضات و کارمندان امور اداری در آن‌ها، یکی از عوامل اصلی تضعیف استقلال قضات است، که موجب تضعیف استقلال دادگاه‌ها نسبت به تحولات اقتصادی و سیاسی جامعه و سایر امور گردیده و در نهایت ویژگی و اصل بی‌طرفی در دادگاه‌های مذکور و قضات متصدی آن‌ها را تضعیف می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان طور که در خصوص زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف مطرح گردید، این عیب نیز، بیش از آنکه به نفس ایجاد مراجع استثنایی برگردد، ناظر بر ساختار قضایی کشور و ضعف در میزان و کیفیت نظارت سازمانی بر سلامت و یا فساد مراجع رسیدگی‌کننده می‌باشد.

۲-۱. مزایای مراجع قضایی استثنایی در دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی

در ارتباط با مزایای ایجاد و استفاده از مراجع قضایی استثنایی در حوزه حقوق مالکیت صنعتی موارد متعددی مطرح گردیده است. در ذیل به تبیین مهم‌ترین این مزایا می‌پردازیم:

۱-۲-۱. ایجاد و حفظ رویه خاص یکپارچه و منسجم در دکتترین و رویه قضایی

یکی از مهم‌ترین مزایای ایجاد مراجع قضایی استثنایی ایجاد رویه خاص برای دعاوی موضوع رسیدگی در این مراجع است. مزیت دیگر این نوع دادگاه‌ها در اینجا آن است که رویه‌های مذکور در زمینه دعاوی تخصصی پس از شکل‌گیری به‌صورت منسجم و یکپارچه استمرار خواهند یافت؛ زیرا در اینجا مجموع پرونده‌ها در شعب مشخص و شناخته‌شده‌ای مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و این امر زمینه تعامل و تأثیرپذیری متقابل شعب مذکور از یکدیگر و متعاقب آن ایجاد رویه و رویکرد منسجم و یکپارچه در حوزه رویه قضایی را فراهم می‌سازد. در این میان، مراجع قضایی استثنایی برای مالکیت صنعتی نیز از این قاعده مستثنا نخواهند بود. در نتیجه از آثار مفید یا همان مزایای ایجاد مراجع قضایی استثنایی برای دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی ایجاد رویه‌های خاص و همچنین حفظ و استمرار رویه‌های مذکور، که خود را در قالب آرای متحدالشکل و یکپارچه نشان می‌دهد، ذکر گردیده است (International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007: 26). بدیهی است که در این وضعیت اقدام و احقاق حق در مراجع مذکور با سهولت بیشتری ممکن خواهد بود؛ زیرا بر مبنای یکپارچگی رویه قضایی و

صدور آرای متحدالشکل برای اصحاب دعوا، نتیجه اقدام در نزد این نوع دادگاه‌ها در غالب موارد به راحتی قابل‌پیش‌بینی خواهد بود (International Intellectual Property Institute and the United States Patent and Trademark Office, 2007: 5-6). حتی حوزه مالکیت صنعتی با توجه به ماهیت فنی و تخصصی دعاوی و شکایات و پیچیدگی‌های موجود در این زمینه نیاز به توجه به منابع مختلف در درک و حل موضوع را، به‌ویژه در دکتترین، برای قضات به همراه دارد، لذا عملاً تعامل بهتر و مؤثرتری بین رویه قضایی و دکتترین برقرار شده و تأثیر این دو بر یکدیگر بیش از سایر حوزه‌ها خواهد بود. بر مبنای همین واقعیت است که در ارتباط با این نوع از مراجع قضایی می‌توان گفت اتفاق و اتحاد رویه و رویکردها در رویه قضایی به مراتب بیش از سایر حوزه‌ها اتفاق و اتحاد در مقام نظریه‌پردازی و ارائه دیدگاه‌های حقوقی در دکتترین را به همراه خواهد داشت. وجود مزایای این چنین موجب گردیده است که، به موازات مواردی همچون ارتقای کیفیت عدالت برای صاحبان حقوق مالکیت صنعتی و انطباق با توسعه پویا در جامعه، یکی از مزایا و آثار دیگر ایجاد دادگاه‌های انحصاری در حوزه حقوق مالکیت فکری از جمله حقوق مالکیت صنعتی ارتقای هماهنگی و یکپارچگی رویه قضایی دانسته شود.

۲-۱. ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی

یکی دیگر از مزایای ایجاد دادگاه استثنایی برای رسیدگی به دعاوی مالکیت صنعتی ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی می‌باشد. در تبیین این مزیت از یک‌سو باید به عوامل زمینه‌ساز و ایجادکننده آن توجه نمود و از سوی دیگر به آثار مطلوب ناشی از ایجاد آن عوامل مختلفی در ایجاد مزیت ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از مالکیت صنعتی به دنبال ایجاد دادگاه استثنایی در این زمینه نقش دارند؛ به عبارت دیگر ایجاد این نوع دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی مالکیت صنعتی از جهات مختلف می‌تواند به ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از مالکیت صنعتی در یک کشور بیانجامد. از حیث داخلی و قواعد حقوقی درون سرزمینی یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه ارتقای آموزش و متعاقب آن دانش و درک قضات در این حوزه است. توضیح آنکه با ایجاد دادگاه‌های مذکور، بر مبنای ایجاد جنبه و بُعد تخصصی برای دعاوی مذکور، زمینه برای آموزش ویژه و تخصصی قضات در حوزه حقوق مالکیت صنعتی فراهم می‌گردد. در این وضعیت درک موضوعات مالکیت صنعتی توسط قضات رسیدگی‌کننده در این دادگاه با کیفیت و سرعت بهتری همراه خواهد بود. بر این اساس و بر مبنای سایر مزایایی که در این قسمت ذکر می‌گردد عملاً فرصت و ظرفیت کافی برای قضات فراهم خواهد آمد، تا با کسب معلومات و عنداللزوم به‌روزرسانی معلوماتشان تصمیم مناسب و کارآمد را در ارتباط با پرونده‌های مالکیت صنعتی اخذ

نمایند (حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). عامل دیگر در حوزه حقوق داخلی مدیریت کارآمد چالش‌ها و پیچیدگی‌های دعاوی مالکیت صنعتی است؛ زیرا مهم‌ترین عوامل و ابزارها برای اعمال و تحقق این نوع مدیریت عامل اجرایی حقوق با همان مرجع مطالبه و درخواست احقاق حق، یعنی دادگاه است، که اگر به صورت تخصصی و انحصاری باشد، با توجه به ارتقای دانش و معلومات قضات رسیدگی‌کننده در آن‌ها و ایجاد رویه‌های واحد و متحدالشکل، ایشان قادر خواهند بود به شکل مطلوب و کارآمدی چالش‌ها و پیچیدگی‌های مذکور را مدیریت نماید.

از حیث فراملی ایجاد دادگاه استثنایی برای دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی بر مبنای دو عامل اساسی می‌تواند در نهایت به ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مذکور بیانجامد. یکی آنکه ایجاد دادگاه تخصصی و انحصاری در این زمینه و برقراری تعامل در بین آن‌ها برای ایجاد رویه و رویکرد یکپارچه، در نهایت این نوع از دادگاه‌ها را به ابزاری مفید و مؤثر برای جهانی شدن حقوق مالکیت معنوی و هماهنگ‌سازی فرایندهای حل و فصل دعاوی تبدیل می‌نماید (رئیس، ۱۳۸۸: ۱۳۴). دیگر آنکه ایجاد مراجع قضایی استثنایی در یک کشور برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی به منزله اعلام رسمی نظام حقوقی آن کشور مبنی بر ارج نهادن دعاوی مالکیت صنعتی به دلیل اهمیت حقوق موضوع این دعاوی یا به عبارت ساده‌تر جایگاه عالی حقوق مذکور در نظام قضایی و حقوقی کشور مذکور می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

مجموع عوامل و خصائص فوق در دادگاه استثنایی مالکیت صنعتی ایجاد مزیت ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی را به همراه دارد. حال خود این مزیت، که ناشی از عوامل مذکور است، آثار مفیدی را به‌ویژه در سطح بین‌المللی به همراه خواهد داشت. مهم‌ترین این آثار ایجاد اعتماد برای اشخاص و به‌ویژه طرفین یک دعوا یا اختلاف در حوزه مالکیت صنعتی است. اهمیت این اثر تا آن‌جا است که آن را مهم‌ترین مزیت ایجاد دادگاه‌های انحصاری در حوزه مالکیت صنعتی دانسته‌اند (Pinyosinwat, 2010: xi). این امر بیش از هر چیز ناشی از دو عامل اساسی است: یکی قابل‌پیش‌بینی بودن نتایج رسیدگی دادگاه‌های مذکور و دیگر اعتماد و قابلیت اتکا به آن‌ها. این موارد خود از مزایای ایجاد دادگاه انحصاری مالکیت صنعتی قلمداد می‌گردد، که ناشی از اقدام برای یکپارچه نمودن رویه‌ها و ارتقای سطح دانش و معلومات قضات این دادگاه‌ها از طریق آموزش و ایجاد تعامل مستمر بین دادگاه‌های مذکور است.

اثر مطلوب دیگر ایجاد دادگاه استثنایی، که خود مبتنی بر اثر قبلی (ایجاد اعتماد برای اشخاص در حوزه مالکیت صنعتی) است، زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه در حوزه‌های دانش‌بنیان، است؛ توضیح آنکه همواره حمایت مطلوب و کارآمد از حقوق مالکیت فکری از جمله

مالکیت صنعتی یکی از عوامل مؤثر در حوزه تجاری‌سازی این حقوق و متعاقب آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی به کشور محل حمایت می‌باشد (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶). حال یکی از مهم‌ترین و بهترین ابزارهای حمایتی ابزار اجرایی است که با ایجاد دادگاه‌های انحصاری به بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن تحقق و اعمال می‌یابد. بنابراین رابطه مستقیمی بین ارتقای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی از طریق ایجاد دادگاه استثنایی در این زمینه و افزایش و ارتقای سطح سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در حوزه‌های دانش‌بنیان و مبتنی بر نوآوری برقرار است. بر مبنای همین واقعیت یکی از مزایای ایجاد و اتخاذ دادگاه‌های انحصاری در حوزه مالکیت فکری و از جمله مالکیت صنعتی را افزایش سرمایه‌گذاری خارجی دانسته‌اند (International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007: 28)؛ مؤلفه‌ای بنیادین که خود از شاخص‌های زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و عبور از وضعیت در حال توسعه است.

۳-۲-۱. بهبود و تسریع فرایند رسیدگی و صدور آرا در حوزه مالکیت صنعتی

بر مبنای دانش و مهارتی که، به‌واسطه تمرکز بر پرونده‌های مالکیت صنعتی و همچنین دوره‌های آموزشی مخصوص و تعامل مؤثر و سازنده مراجع، برای قضات این نوع از دادگاه‌ها ایجاد می‌گردد، عملاً زمینه تحقق مزیت مهم دیگری، یعنی بهبود و تسریع فرایند رسیدگی و صدور آرا در حوزه دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی فراهم می‌گردد. در توجیه این مزیت می‌توان گفت تخصص و تجربه قضات و آشنایی و اشراف آن‌ها بر الگوها و رویه‌های رسیدگی در حوزه مالکیت صنعتی و مفاهیم فنی و تخصصی موضوع و همچنین ابعاد و مسائل حقوقی پرونده، عملاً قاضی را قادر به درک ابعاد فنی موضوع نیز می‌نماید، تا حدی که، جز در موارد فنی محض قادر خواهند بود، رأساً رسیدگی و اخذ تصمیم نمایند. این چنین قاضی با مباشرت خود در موضوع به شکل مطلوب و سریع اخذ تصمیم می‌نماید. همچنین بر مبنای تخصص و درک فنی مذکور قضات این نوع مراجع در مقایسه با مراجع عمومی به شکل بهتری قادر به تعامل با وکلای اصحاب دعوا، استخراج و درک راهکارهای مختلف برای تعیین تکلیف موضوع پرونده و در نتیجه انشای رأی مطلوب و کارآمد خواهند بود (International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007: 27). در اینجا باید به این نکته محوری توجه نمود که عنصر اصلی برای اخذ تصمیمات سریع و مؤثر تجربه سابق قضات^۱ از پرونده‌های قبلی در خصوص مالکیت صنعتی و درک کاربردی از موضوع به‌واسطه تجربه مذکور است (de Werra, 2019). بدیهی است که این امر

1. Past Experience

به صرف آموزش قضات حاصل نشده و باید از تغییرات سریع قضات در مراجع استثنایی این چنین اجتناب شده و تغییرات را ترجیحاً در محدوده همین مراجع صورت داد نه اینکه قاضی را پس از کسب تجربه مناسب، درست در زمانی که به موقعیت بازدهی مطلوب و کارآمد رسیده است، از این مراجع به سایر مراجع انتقال داد. بنابراین در حوزه مدیریت سیستم قضایی و جلوگیری از تبانی و سوءاستفاده باید از یک سو از سایر راهکارها، همچون افزایش نظارت قضایی، دقت در فرایند جذب قاضی، جلوگیری از تمرکز پرونده‌های متعدد اشخاص اصیل یا وکلای خاص در شعبه واحد و...، بهره برد و از سوی دیگر در موارد ضروری حتی المقدور راهکار تغییر و انتقال قضات را در محدوده همین مراجع صورت داد؛ تا منجر به انتقال قضات باتجربه در حوزه مالکیت صنعتی به سایر مراجع نگردد. بنابراین این امر را باید به عنوان یکی از محدودیت‌ها در ایجاد مراجع قضایی استثنایی در حوزه مالکیت صنعتی مورد توجه قرارداد.

مزیت بهبود و تسریع فرایند رسیدگی و صدور آرا در حوزه مالکیت صنعتی دارای دو اثر مهم و اساسی است: یکی آنکه موجب افزایش اعتماد به سیستم قضایی و دادگاه‌ها و قابلیت آن‌ها در زمینه حل و فصل دعاوی و مرافعات در حوزه شکایات و دعاوی حقوق مالکیت صنعتی می‌گردد. به علاوه مزیت مذکور موجب ایجاد قابلیت اعتماد به آرا و تصمیمات قضایی و ارتقای سطح سیستم قضایی در حوزه مالکیت صنعتی در چشم‌انداز بین‌المللی و سایر کشورها می‌گردد (International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007: 5).

۴-۲-۱. کاهش هزینه‌های مربوط به مرافعه نزد مراجع قضایی

جالب آنکه برخلاف تصور رایج مبنی بر هزینه‌بر بودن این نوع مراجع و افزایش هزینه‌ها به واسطه ایجاد آن‌ها برخی مطالعات در سیستم‌های قضایی کشورهای مختلف بیانگر خلاف این تصور و کاهش هزینه‌ها به واسطه ایجاد این نوع مراجع می‌باشد.

این مزیت به واسطه عوامل متعددی است؛ از جمله آنکه عملاً در این مراجع در بسیاری از موارد به واسطه تخصص و تبحر قضات نیازی به ارجاع امر به کارشناس وجود ندارد. بنابراین صرف نظر از موضوعات فنی محض در الباقی موارد به واسطه آشنایی قاضی با مفاهیم فنی و حقوقی، اشراف بر رویه‌ها و الگوهای قانونی و همچنین تجربه قبلی در رسیدگی به دعاوی و شکایات مشابه عملاً نیازی به ارجاع امر به کارشناس و تحمیل هزینه‌های آن بر طرفین دعوا یا شکایت دیده نمی‌شود. همچنین اخذ تصمیم مطلوب و کارآمد در زمان سریع‌تر در این نوع از مراجع عملاً موجب کاهش هزینه‌ها می‌شود؛ زیرا احقاق حق در اسرع زمان صورت گرفته و نیازی به صرف هزینه‌های متعدد بابت رفت و آمد و... توسط طرفین در وهله زمانی طولانی مدت برای پیگیری پرونده خود نمی‌باشد. به ویژه

آنکه بر مبنای کیفیت و مطلوبیت آرای اصداری عملاً این آرا مورد اعتماد بوده و قابلیت اتکا دارد. لذا طرفین، به‌واسطه سطح کیفی آرا و ناامیدی از تغییر و نقض آن‌ها، تمایل کمتری در زمینه اعتراض به این آرا در قالب تجدیدنظرخواهی و همچنین طرق اعتراضی فوق‌العاده همچون اعاده دادرسی، که موجب تحمیل هزینه‌های سنگین به نهاد قضایی کشور و طرفین دعوا یا شکایت می‌گردد، خواهند داشت. به عبارت دیگر با توجه به سطح کیفی رسیدگی و مطلوبیت رأی اصداری در مرحله بدوی طرفین دعوا عملاً در اینجا تکلیف را مشخص دانسته و به آن تمکین خواهند نمود؛ زیرا می‌دانند اعتراض به رأی، جز در موارد محدود، نقض رأی صادره را به همراه نخواهد داشت.

۵-۲-۱. پویایی سیستم قضایی یک کشور در زمینه تحولات علمی و عملی حوزه مالکیت صنعتی

یکی از مزایای دیگر ایجاد مراجع قضایی استثنایی پویایی سیستم قضایی کشور با تحولات حوزه مالکیت صنعتی و انطباق مداوم این سیستم با این تحولات در حوزه علمی و عملی است؛ زیرا دادگاه‌های مالکیت صنعتی بیشتر قادر خواهند بود تا خود را با تحولات جدید در حوزه موضوعات و مقررات مالکیت صنعتی همراه و بروز نمایند. با توجه به اینکه بخش زیادی از مقررات مذکور در معرض تغییر و تحول دائمی است، قضاوت و وکلای درگیر پرونده‌های این حوزه باید بتوانند به سرعت تغییرات جدید را درک و ارزیابی نموده و مورد عمل قرار دهند. بر این اساس رسیدگی به پرونده‌ها در حوزه موضوعاتی همچون مالکیت صنعتی باید توسط اشخاص کارشناس و متبحر در این حوزه‌ها و با رویه و الگوهای اختصاصی ویژه آن‌ها مورد رسیدگی قرار گیرد؛ ضروریاتی که با ایجاد مراجع قضایی استثنایی در این زمینه محقق خواهد شد. بر مبنای همین واقعیات است که گفته می‌شود: «دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری [در مقایسه با سایر مراجع] توان و امکانات بهتری برای انطباق با توسعه مداوم حقوق مالکیت فکری دارند» (de Werra, 2019). این همه پویایی سیستم قضایی یک کشور در زمینه تحولات علمی و عملی حوزه مالکیت صنعتی را به همراه خواهد داشت.

۶-۲-۱. بهبود حمایت از کسب‌وکار

اساساً یکی از آثار حمایت قضایی مناسب از دارایی فکری، به‌ویژه مالکیت‌های صنعتی، بهبود محیط کسب‌وکار است. توضیح آنکه یکی از شاخص‌های بهبود محیط کسب‌وکار شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران بوده و در این میان حمایت از مالکیت‌های صنعتی ایشان به موازات اموال فیزیکی آن‌ها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا از مهم‌ترین اقدامات حمایت قضایی متناسب و مطلوب از طریق ایجاد مراجع تخصصی و واجد صلاحیت فنی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی خواهد بود (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۲۵-۴۲۴). این تحول در حقوق موضوعه ایران، البته به شکلی ناقص و مجمل، در ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب ۱۳۹۰ انعکاس

یافته است. ماده مذکور پس از آنکه بیان داشته «قوه قضائیه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری به عمل می‌آورند.» در تبصره خود مقرر می‌دارد: «تا زمان تأسیس دادگاه‌های تجاری، جرایم مرتبط با فعالیت‌های تجاری و اختلافات بین بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرائی حسب مورد در شوراها حل اختلاف یا شعب خاصی که رؤسای دادگستری استان‌ها با رعایت صلاحیت محلی در حوزه‌های قضایی تعیین می‌نمایند، رسیدگی می‌شود.» در راستای اجرای این مقرر به تدریج شعب تخصصی ایجاد گردیده که شروع این تحول در تهران با ابلاغ «دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران» توسط ریاست محترم دادگستری کل استان تهران بوده، که مطابق ماده ۶ به دعاوی ذیل رسیدگی می‌نماید:

۱. دعاوی ناشی از خرید و فروش کالا در بستر تجارت سنتی یا الکترونیکی که طرفین آن شرکت تجاری باشند.

۲. دعاوی راجع به تشکیل ادغام، انحلال و ورشکستگی شرکتهای تجاری

۳. امور و دعاوی مربوط به داوری از قبیل تعیین داور و ابطال و اجرای رأی داوری. در صورتی که رسیدگی به اصل دعوا مطابق با بند ۱ و ۲ فوق، در صلاحیت مجتمع باشد.»
در مجموع مقرر ماده فوق و دستورالعمل اجرایی آن در استان تهران به شکل ناقص و ناکارآمدی مطرح گردیده و نیازمند بازنگری است؛ زیرا:

۱. در حالی که ماده ۲۹ اجرای تحول مذکور در آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری را دنبال نموده است آن را به شکل بسیار ناقصی مطرح نموده و صرفاً جرایم مرتبط با فعالیت‌های تجاری و اختلافات بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرائی را مطرح نموده است و از مهم‌ترین علت مراجعات اشخاص تاجر و طرفین روابط و معاملات تجاری به دادگاه‌ها، یعنی دعاوی تجاری در بخش خصوصی، که هر دو طرف از اشخاص و نهادهای غیرعمومی هستند، غافل مانده است.

۲. به‌رغم آنکه در لایحه آیین دادرسی تجاری، در ماده ۹ و بند ۶ ماده ۲۵، دعاوی مالکیت فکری و مالکیت صنعتی نیز در صلاحیت دادگاه‌های تجاری دانسته شده است (عبدی پور، ۱۳۹۲: ۴۸۷ و ۴۹۱)، در ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، در شرایطی که در راستای تحوّل آیین دادرسی تجاری اقدام نموده، از ذکر این دعاوی در صلاحیت شعب اختصاصی موضوع این بند غفلت نموده است؛ ابهامی که در عمل نیز منعکس شده و موجب گردیده این دعاوی در دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران نیز در ردیف موارد در صلاحیت شعب اختصاصی مستقر در مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری دانسته نشود.

۳. در عمل دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران نیز به دعاوی

مالکیت فکری و یا لااقل مالکیت صنعتی اشاره‌ای ننموده و این دعاوی به شکل سابق بر مبنای مقررۀ ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در صلاحیت شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران، که به این دعاوی اختصاص یافته، می‌باشد. این چنین حوزه مالکیت صنعتی تا زمان تصویب آیین دادرسی تجاری از تحوّل مورد نظر در قانون بهبود محیط کسب‌وکار و آثار مطلوب ناشی از آن محروم خواهد ماند.

۳-۱. جمع‌بندی ارزیابی عمومی مراجع قضایی استثنایی

بر مبنای مجموع مراتب فوق مزایا و معایبی چند برای ایجاد و در مقابل عدم ایجاد مراجع قضایی استثنایی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی مطرح گردیده است. در این میان اساساً هیچ‌یک از ایرادات و معایب ذکر شده مستقیماً نسبت به نفس پذیرش و ایجاد مراجع قضایی استثنایی مصداق نمی‌یابد و لذا این تصوّر که آن‌ها را نقائص ذاتی این نوع مراجع قضایی بدانیم مردود است و در نتیجه معایب مذکور، حتّی در مواردی هم که مصداق یابد، در نهایت با لحاظ برخی اصلاحات در ساختار و تقسیمات قضایی قابل‌رفع و یا کنترل می‌باشد. بدین نحو که:

هزینه بالای فاقد توجیه معیاری نسبی بوده و نه مانعی دائمی. لذا با اتخاذ سایر مؤلفه‌ها همچون ارتقای حقوق مالکیت صنعتی یا جذب سرمایه‌گذاری‌های دانش‌بنیان توسط مبتکرین سایر کشورها و... و با فرض وجود حجم متوسط دعاوی و شکایات حقوق مالکیت فکری، دیگر مانع و عیب مذکور مصداق نخواهد یافت و صرف هزینه مذکور توجیه‌پذیر خواهد بود.

زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف و همچنین تضعیف استقلال دادگاه، بیش از آنکه به نفس ایجاد مراجع استثنایی برگردند، ناظر بر ساختار قضایی کشور و ضعف در میزان و کیفیت نظارت سازمانی بر سلامت و یا فساد مراجع رسیدگی‌کننده می‌باشد و بر مبنای سایر راهکارها به‌ویژه در حوزه مدیریت قضایی و نظارت مراجع عالی قابل‌رفع و یا کنترل می‌باشد.

با ایجاد مراجع استثنایی دعاوی مختلط و چندوجهی نیز در این مراجع مطرح و رسیدگی خواهد شد؛ لذا به تدریج قضات این مراجع نیز فراتر از جنبه‌های اختصاصی نسبت به ابعاد عمومی حقوقی مرتبط با این دعاوی تا حدودی اشراف خواهند یافت. همچنین اتخاذ مدل‌های ترکیبی یا مختلط، که در آن یکی از مراجع بدوی و یا تجدیدنظر به‌صورت استثنایی به دعاوی مالکیت صنعتی اختصاص می‌یابد. اما دیگری از مراجع عمومی باشد، موجب تضعیف این نقیصه می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت نقیصه تضعیف عمومیت‌نگری در قضات در مراجع قضایی استثنایی، با اعمال مدل‌های ترکیبی، تا حدود زیادی قابل‌رفع یا کنترل است.

در ارتباط با دشواری دسترسی عموم افراد به این مراجع ضمن اذعان بر وجود این نقیصه در نظام

حقوقی کشورمان آن را ناظر بر نفس وجود مراجع قضایی استثنایی در حوزه مالکیت صنعتی نمی‌دانیم؛ بلکه این امر به‌نحوه ساماندهی این مراجع و تقسیمات جغرافیایی در حوزه دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به دعاوی مالکیت صنعتی بر می‌گردد و چنانچه لاقلاً در سطح مراکز استان‌ها دادگاه‌هایی برای رسیدگی به این دعاوی اختصاص یابد این ایراد تا حدود زیادی مرتفع خواهد گردید. این همه در حالی است که در مقابل مزایای مطرح شده، که ماحصل مطالعه نتایج ایجاد و استفاده از مراجع استثنایی در کشورهای گوناگون بوده، در عمل به اثبات رسیده است.^۱ با وجود این نباید در پذیرش موارد به‌گونه‌ای مطلق عمل نمود و این نوع از مراجع را برای تمامی کشورها مفید دانست؛ بلکه، از یک‌سو شرایط یک کشور، به‌ویژه از حیث امکانات و توان اقتصادی و همچنین وضعیت مالکیت فکری در آن‌ها، را مورد لحاظ قرار داد و بر این باور بود که مطلوبیت این نوع از مراجع امری نسبی و تابع شرایط خاص هر کشور از جهات مذکور است (Pinyosinwat, 2010: i-xii)؛ از سوی دیگر مزایای مطرح شده در صورت اعمال در سایر اشکال سازمان قضایی، به‌ویژه شعب اختصاصی زیرمجموعه دادگاه‌های تجاری، نیز تاحدی قابل تحقق است؛ آن هم به‌گونه‌ای که معایب مرتبط با دشواری دسترسی و تضعیف عمومیت‌نگری در قضاوت و هزینه بالای غیرقابل توجیه بیش از پیش متصور نباشد. بر این اساس نمی‌توان با یقین مراجع استثنایی را ساختار مطلوب برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی دانست. توضیح آنکه ایراد جدی وارده به مراجع قضایی استثنایی، به‌ویژه در کشورهایی که حجم دعاوی و شکایات در حوزه مالکیت صنعتی محدود می‌باشد، آن است که از نظر اقتصادی ایجاد مراجع قضایی در نواحی مختلف قضایی به‌گونه‌ای قابل دسترس برای همگان توجیه‌پذیر نیست. این در حالی است که، اگر دادگاه‌های استثنایی برای امور تجاری ایجاد و برخی شعب آن به دعاوی مالکیت صنعتی اختصاص یابد این مشکل مرتفع خواهد شد. همچنین مادامی که وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در یک کشور در سطح مطلوبی نباشد ایجاد مراجع قضایی استثنایی توجیهی ندارد؛ زیرا این مراجع برای احقاق حقوق اشخاص در مرحله اجرای حق در زمینه مالکیت صنعتی است و اگر اساساً این حقوق در کشوری در سطح مطلوب مورد پذیرش و شناسایی واقع نگردیده باشد ایجاد این مراجع سودی نخواهد بخشید.

۱. در این زمینه به منابع انگلیسی ذیل مراجعه نمایید:

International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee, 2007: 25-34 and Pinyosinwat, 2010: i-xii, Supreme court of Japan, 2018: 1-49.

همچنین: حبیب، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۳۱ و صادقیان ندوشن: ۱۳۹۷، ۱۳-۲ و صادقی، ۱۳۹۴: ۴۲۴ و ۴۲۵.

۲. ارزیابی و امکان‌سنجی اختصاصی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی در دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی

پس از بررسی و ارزیابی عمومی مراجع قضایی استثنایی اکنون به ارزیابی اختصاصی آن‌ها در مدل‌ها و حالات مختلف آن، یعنی مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و تجدیدنظر، مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و همچنین مراجع قضایی استثنایی در مرحله تجدیدنظر، می‌پردازیم:

۲-۱. مدل نخست: مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و تجدیدنظر

این مدل، که کامل‌ترین مدل‌ها از لحاظ جنبه تخصصی و حفظ صلاحیت انحصاری است، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، که در آن‌ها حقوق مالکیت صنعتی دارای جایگاه عالی و حمایت‌های حقوقی کامل است، مورد استفاده می‌باشد. در این مدل در تمامی مراحل رسیدگی عادی به یک دعوا و یا شکایت در حوزه مالکیت صنعتی مرجع قضایی استثنایی، صرفاً برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مذکور، تشکیل و مورد استفاده واقع می‌گردد. در کشورهایی همچون کره جنوبی، مالزی، تایلند، ترکیه، انگلستان و ژاپن این مدل مورد استفاده می‌باشد.

در ارزیابی این مدل باید گفت در اینجا مزایایی که برای مراجع قضایی استثنایی به واسطه رعایت جنبه تخصصی و رسیدگی انحصاری به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی ذکر گردید در عالی‌ترین سطح ممکن است؛ اما در مقابل مطلوبیت آن نسبی و تابع وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در یک کشور و همچنین حجم دعاوی و شکایات در این زمینه است. لذا جز در موارد نادر، که کشوری با توجه به جایگاه عالی مالکیت فکری و قدرت اقتصادی بالا قادر به تشکیل این مراجع باشد و با اعمال نظارت قضایی و ارتقای سطح مدیریت قضایی در این نوع مراجع بتواند مانع ایجاد زمینه‌سازی سوءاستفاده از آن مراجع و ایجاد رانت‌های فاسد قضایی گردد و همچنین بتواند استقلال مراجع قضایی مذکور را نیز حفظ نماید، نمی‌توان این مدل را مدل مطلوبی برای ایجاد ساختار مراجع قضایی رسیدگی‌کننده به دعاوی مالکیت صنعتی دانست. البته در بهترین وضعیت، که تمامی این موارد تأمین گردد، باز ایراد مهم عدم قابلیت عمومیت‌نگری قضات این مراجع و ماهیت تک‌بعدی دیدگاه‌ها و نحوه رسیدگی، که مانع جدی رسیدگی منصفانه است، پابرجاست؛ زیرا ماهیت تک‌بعدی و اختصاصی محور این مدل بیش از سایر مدل‌های مراجع قضایی استثنایی زمینه را برای ایجاد و گسترش این نقیصه فراهم می‌نماید. ایراد مذکور قابلیت اتخاذ این مدل را در هر یک از حالات و برای هر کشوری، صرف‌نظر از وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در آن و سطح اقتصادی و توسعه‌یافتگی آن، مورد تردید قرار می‌دهد. بر مبنای همین نقیصه است که حتی کسانی که قائل بر لزوم

ایجاد و استفاده از مراجع قضایی استثنایی در حقوق مالکیت صنعتی هستند النهایه این مدل را مطلوب ندانسته و سایر مدل‌ها که در آن‌ها در یکی از مراحل رسیدگی مراجع عمومی به پرونده‌های مالکیت فکری رسیدگی می‌نمایند را نسبت به مدل حاضر مرجح می‌دانند، که در ادامه خواهد آمد.

۲-۲. مدل دوم: مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی

این نیز یکی از مدل‌های شایع برای مراجع قضایی مالکیت صنعتی است. نمونه بارز استفاده از این مدل کشور آلمان است، که در آن در مرحله بدوی رسیدگی به دعوی مالکیت صنعتی در زمینه ابطال اختراعات در دادگاه تخصصی اختراعات فدرال به عمل می‌آید؛ اما تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه مذکور نزد دادگاه انصاف فدرال، به‌عنوان یک مرجع غیرتخصصی، صورت می‌گیرد (Holzapfel and Königs McDermott Will & Emery, 2019). برخی حقوق‌دانان معتقدند این مدل، مدل مطلوب و مناسبی نیست؛ با این توجیه که استیناف از تصمیمات یک دادگاه تخصصی نزد یک دادگاه عمومی از جهات زیادی قابل ایراد است؛ چراکه محاکم استیناف عمومی، با توجه به عدم اطلاعات تخصصی قادر به رسیدگی ماهوی دقیق در این‌گونه پرونده‌ها نمی‌باشند. از سوی دیگر صرف رسیدگی شکلی ممکن است در بسیاری از موارد موجب تضییع حقوق اصحاب دعوا گردد. بنابراین حداقل باید در این‌گونه محاکم از نظرات کارشناسان متخصص استفاده شود (رئیس، ۱۳۸۸: ۱۳۸ و ۱۳۹).

به‌رغم آنکه این ایراد وارد بوده و نمی‌توان انتظار داشت که دادگاه عمومی قادر باشد با لحاظ ابعاد تخصصی موضوع به ارزیابی عملکرد دادگاه بدوی استثنایی و رأی اصداری در این زمینه پردازد؛ با وجود این، این ایراد در مقایسه با مزایای این مدل از اهمیت کمتری برخوردار است. در این مدل علاوه بر کاهش هزینه تشکیل مراجع استثنایی در یکی از مراحل نه‌تنها ایراد تک‌جانبه‌نگری مرتفع می‌شود، بلکه اساساً، با توجه به رسیدگی مراجع تجدیدنظر عمومی به آراء مرجع قضایی استثنایی بدوی، نظارت قضایی برای اعمال و رعایت منع زمینه‌سازی سوءاستفاده و حفظ استقلال دادگاه نیز اعمال می‌گردد؛ به عبارت دیگر مکانیزم تجدیدنظرخواهی نزد دادگاه‌های عمومی خود یکی از روش‌ها و راهکارهای اعمال نظارت و مدیریت قضایی برای حذف معایب مراجع قضایی استثنایی در زمینه‌های مذکور است.

۲-۳. مدل سوم: مراجع قضایی استثنایی در مرحله تجدیدنظر

این مدل در کشورهای همچون پرتغال، کلمبیا، شیلی، نیوزیلند، آمریکا مورد استفاده می‌باشد. در این مدل ضمن آنکه به‌واسطه عدم ایجاد مرجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی هزینه تشکیل مراجع رسیدگی‌کننده به دعوی و شکایات مالکیت فکری کاهش می‌یابد ایراد تک‌جانبه‌نگری نیز

مرتفع می‌گردد. برخی مطالعات بیانگر ترجیح این مدل بر سایر مدل‌ها می‌باشد (Pinyosinwat, 2010)؛ با وجود این از جهتی به نظر می‌رسد در حالت کلی و صرف‌نظر از وضعیت یک کشور و از منظر اصول و قواعد آیین دادرسی و سازمان قضاوتی این مدل بر مدل مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی ترجیح ندارد و مدل اخیر دارای وضعیت مطلوب‌تری است؛ زیرا در حالی که در این مدل مزیت رفع تک‌جانبه‌نگری در فرایند رسیدگی وجود دارد؛ اما اینکه مرجع تجدیدنظر بدو به‌طور استثنایی و تخصصی رسیدگی نماید با ماهیت این مرجع سازگاری ندارد؛ زیرا رسیدگی تخصصی مستلزم فهم و اقداماتی خاص توسط قاضی در همان مرحله رسیدگی اصلی در بدو امر است، نه اینکه قاضی بدون درک و لحاظ این موارد بخواهد در مرحله تجدیدنظر به این موارد ورود نماید؛ چون رسیدگی تجدیدنظر به منزله بازنگری رسیدگی بدوی است نه اینکه رسیدگی مجدد از اساس صورت گیرد. با وجود این در مقابل از منظری دیگر، یعنی عدم قابلیت مرجع تجدیدنظر عمومی برای رسیدگی تخصصی تجدیدنظرخواهی، به شرحی که پیش از این ذکر گردید، مدل مراجع قضایی استثنایی در مرحله تجدیدنظر بر مدل مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی ترجیح دارد.

بر مبنای مجموع مراتب فوق به نظر می‌رسد از یک‌سو باید مطلوبیت هر یک از مدل‌های سه‌گانه مذکور در اینجا را امری نسبی و تابع اوضاع و احوال و شرایط خاص اقتصادی هر کشور و سطح توسعه در آن و همچنین وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در آن دانست. از سوی دیگر به سایر مدل‌ها به‌ویژه مدل‌های مراجع قضایی اختصاصی در صور سه‌گانه آن، یعنی مراجع قضایی اختصاصی در مرحله بدوی و تجدیدنظر، مراجع قضایی اختصاصی در مرحله بدوی و مراجع قضایی اختصاصی در مرحله تجدیدنظر و مطلوبیت نسبی آن‌ها بسته به شرایط و اوضاع و احوال خاص حاکم بر یک کشور از جهات فوق نیز توجه نمود. البته در ارتباط مدل‌های اخیر الگوی مطلوب اختصاص بعضی شعب دادگاه‌های تجاری به دعاوی مالکیت صنعتی است، نه آنکه بعضی شعب دادگاه عمومی بدان اختصاص یابد تا بعد تخصصی موضوع تا حد امکان لحاظ و اعمال گردد.

۳. ارزیابی مطلوبیت مراجع قضایی استثنایی برای حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران بر مبنای ارزیابی سه مؤلفه وضعیت مالکیت‌های صنعتی، حجم دعاوی و شکایات در این زمینه و در نهایت ساختار و سازمان مراجع قضاوتی و نحوه رسیدگی آن‌ها، باید به ارزیابی مطلوبیت و امکان‌سنجی هر یک از مدل‌های مراجع قضایی پرداخت.

وضعیت مالکیت صنعتی در کشورمان وضعیت میانه‌ای است؛ در حالی که در برخی حوزه‌ها

همچون علائم تجاری و طرح‌های صنعتی حجم علائم و طرح‌های ثبت شده چشمگیر است^۱، در حوزه اختراعات وضعیت قابل قبولی نداریم^۲. در این میان با لحاظ اینکه عملاً سازمان متصدی مالکیت صنعتی و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های فعال در حوزه پژوهش و آموزش مالکیت صنعتی در پایتخت و حومه آن متمرکز هستند، ایجاد مراجع قضایی استثنایی تنها در تهران و حومه ممکن است و در سایر استان‌ها با دشواری بسیار مواجه خواهد بود. این امر خود مشکل و عیب محدودیت دشواری دسترسی عموم افراد به این مراجع و تبعات ناشی از آن را در حد جدی مطرح خواهد نمود. ضمن اینکه آمار مربوط به حجم دعاوی و شکایات مانع از ایجاد چند مرجع استثنایی در استان‌های مختلف بوده و با توجه به اینکه حجم دعاوی و شکایات به‌طور میانگین کمتر از ۴ هزار پرونده در سال است^۳ در عمل ایجاد مراجع قضایی استثنایی در سایر استان‌ها از این منظر با توجه به هزینه‌های آن توجیه‌پذیر نخواهد بود.

ساختار و سازمان مراجع قضاوتی و نحوه رسیدگی آن‌ها نیز قابلیت ایجاد مراجع قضایی استثنایی برای دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی را منتفی می‌سازد. توضیح آنکه تا به امروز بر مبنای مقررات اصلی در حوزه مالکیت صنعتی، یعنی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، رسیدگی به عمده دعاوی و شکایات در حوزه مالکیت صنعتی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و کیفری تهران است.^۴ این نوع صلاحیت از نوع صلاحیت

۱. مطابق آمار ارائه شده توسط رئیس مرکز مالکیت معنوی کشور در مصاحبه با خبرنگاری میزان «آمار سال ۹۳ در ارتباط با تعداد اظهارنامه ثبت اختراع ۱۲ هزار و ۹۲۸ مورد و تعداد ثبت اختراع ۲ هزار و ۸۵۱ مورد و در سال ۹۴ آمار اظهارنامه اختراع، تعداد ۱۴ هزار و ۴۴۷ مورد و ثبت اختراع ۲ هزار و ۹۱۳ مورد بوده است.» و همچنین در سال ۹۳ تعداد ۵۵ هزار ۳۱۶ مورد اظهارنامه ثبت علامت و ۱۵ هزار ۸۹۲ مورد ثبت علامت داشته ایم و تعداد اظهارنامه‌های ثبت علامت در سال ۹۴، ۶۴ هزار و ۲۰۸ عدد و تعداد ثبت علامت نیز ۱۶ هزار و ۹۲ مورد بوده است. برای دیدن متن کامل این مصاحبه به آدرس اینترنتی ذیل واقع در سایت خبرنگاری میزان مراجعه نمایید:

<https://www.mizanonline.com/fa/news/176831>

۲. مطابق مطالعه به عمل آمده حد فاصل سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ مجموع اختراعات ثبت شده تا سال ۱۳۹۰ با روند کاهشی به کمتر از ۴۰۰۰ اختراع تقلیل یافته است (باقری، ۱۳۹۲: ۲).

۳. مطابق گزارش «بررسی تطبیقی لزوم ایجاد مراجع تخصصی رسیدگی به دعاوی مالکیت معنوی» دبیرخانه کمیسیون‌های تخصصی، مجامع و شوراها، اتاق ایران بهار ۱۳۹۷ متوسط پرونده‌ها در حوزه مالکیت صنعتی نزدیک ۳۰۰ پرونده در ماه است (صادقیان ندوشن، ۱۳۹۷: ۵).

۴. این امر مبتنی بر ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۱۳ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳ است.

اختصاصی است؛ یعنی شعب مربوط به رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی می‌تواند به دعاوی عمومی نیز رسیدگی نمایند. چنان‌که در رویه عملی نیز شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران که متصدی دعاوی در حوزه حقوق مالکیت صنعتی است و شعبه ۱۰۴۳ دادگاه کیفری دو تهران، که متصدی شکایات در زمینه مذکور است و شعب مربوطه در تجدیدنظر به سایر دعاوی و شکایات نیز رسیدگی می‌نمایند. واقعیات مذکور به وضوح می‌رساند که حجم دعاوی و شکایات به‌گونه‌ای است که حتی نتوانسته ظرفیت کامل یک شعبه را به خود اختصاص دهد. حال چگونه می‌توان به دنبال ایجاد مراجع قضایی استثنایی، آن هم به‌گونه‌ای که در نقاط مختلف کشور وجود داشته و قابل‌دسترس برای اشخاص مقیم مناطق مختلف باشد، بود. البته نحوه رسیدگی به دعاوی و شکایات در مراجع اختصاصی در رویه عملی گاه با عدم تعمیق در ابعاد فنی موضوع همراه بوده و به‌واسطه حجم کار شعب مربوطه، آن گونه که باید در ابعاد فنی پرونده تعمیق نمی‌گردد. چنان‌که اساساً در بسیاری از موارد برای احراز برخی ابعاد فنی همچون مشابهت در علائم تجاری صرفاً بر مبنای فهم عرفی قاضی عمل شده و ارجاع به کارشناس را لازم نمی‌دانند.^۱ اما با وجود این همه حتی

ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مقرر می‌دارد:

«رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد.».

ماده ۱۳ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی نیز مقرر می‌دارد:

«رسیدگی به اختلافاتی که به موجب این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن باید به دادگاه ارجاع شود در صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب تهران می‌باشد.».

منظور قانون‌گذار از وضع این مقرره صرفاً اختصاص شعبی خاص برای رسیدگی به اختلافات در حوزه مالکیت صنعتی نمی‌باشد بلکه هدف این است که این شعبه یا شعب اختصاصی توسط قضاتی تصدی شود که دارای تخصص و تجربه در این حوزه باشند امری که در مواردی در عمل نادیده گرفته می‌شود؛ بدین نحو که همان قضات عادی در کنار رسیدگی به سایر دعاوی و شکایات به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی نیز رسیدگی می‌نمایند.

۱. در رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۳ مورخ ۱۳۳۷/۷/۶ دیوان عالی کشور در این زمینه آمده است: «چون با توجه به ماده ۴۴۴ آیین دادرسی مدنی دادگاه ملزم به ارجاع امر به کارشناس نبوده، نقض حکم از جهت عدم رجوع به کارشناس مورد نداشته،...».

در رأی اصراری شماره ۱۷۳۲ مورخ ۱۳۳۲/۳/۱۳ شعب پنجم دیوان عالی کشور در این زمینه آمده است: «دادگاه می‌تواند به استناد اینکه (مشابهت دو علامت تا پال و پال به حدی است که موجب اشتباه مصرف کنندگان عادی می‌شود) حکم به ابطال علامت پال بدهد و تشخیص این امر در صورتی که بر دادگاه محرز باشد محتاج به جلب نظر اشخاص به عنوان کارشناس نیست.» (زینالی، ۱۳۹۷: ۶۹ و ۷۰ و ۸۸).

اگر تعمیق بیشتری صورت گیرد نهایت اینکه حجم موارد ارجاعی به یک شعبه نصف گردد و به جای یک شعبه، دو شعبه حقوقی و دو شعبه کیفری متصدی دعاوی و شکایات در حوزه حقوق مالکیت صنعتی گردند، که این نیز ایجاد مراجع قضایی استثنایی در نقاط مختلف کشور را توجیه نمی‌نماید. واقعیت اساسی آن است که وضعیت حقوق مالکیت فکری به‌طور کلی و حقوق مالکیت صنعتی از حیث حمایت‌های عملی و رویه قضایی وضعیت مطلوبی نبوده و مردم به‌واسطه ضعف فرهنگ‌سازی در این زمینه و فقدان آگاهی با تخلفات و موارد نقض و ظرفیت‌های قانونی برخورد با آن‌ها آشنایی کامل نداشته و این خود ضعف مراجعات به دادگستری و در نهایت کاهش پرونده‌ها را به همراه دارد. این در حالی است که حقوق مالکیت صنعتی و به‌ویژه برخی حوزه‌های آن همچون علائم تجاری جزء لاینفک زندگی امروز انسان بوده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.^۱ در عرف بسیاری از سوءاستفاده‌ها و موارد نقض حقوق مالکیت صنعتی، همچون سوءاستفاده از علامت تجاری دیگری، فاقد جنبه منفی لازم است^۲ و حتی گاه ادعای حق در این زمینه با موانع عرفی مواجه است. چنان‌که

همچنین در این زمینه می‌توان به دادنامه شماره ۳۲۴ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۲ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران اشاره نمود که در آن در زمینه درخواست ارجاع به کارشناس در زمینه احراز شباهت گمراه کننده علامت مورد ادعا آمده است: «... به لحاظ غیر فنی بودن نیازی به اخذ نظریه کارشناس نبوده است...». این دادنامه در تأیید رأی شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران صادرگردیده است که در آن آمده: «...درخواست کارشناسی از سوی خوانده به منظور احراز شباهت گمراه کننده به لحاظ عدم ضرورت جلب نظر کارشناس موجه نمی‌باشد، زیرا همان‌طور که اشاره شد ملاک تشخیص شباهت عرفی و نگاه مصرف کننده است...» (اقی، ۱۳۹۹: ۲۰۵-۲۰۳).

۱. در این میان علائم تجاری حتی در کشورمان دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و بخش عمده دعاوی حوزه مالکیت صنعتی را به خود اختصاص داده است. این امر به ویژه در خصوص علائم تجاری مشهور که مورد نقض قرار می‌گیرد مطرح است. به طور مثال در این زمینه به پرونده اکبرجوجه که در این منبع مورد ارزیابی واقع گردیده است مراجعه نمایید (سیدین و کارچانی، ۱۳۹۹، ۲۸۰-۲۳۷).

۲. این امر در محیط اینترنتی به صورت مشددی مصداق می‌یابد. بدین نحو که «ویژگی غیرقابل کنترل بودن اینترنت همراه با تصور نادرست مبنی بر اباحه استفاده از اموال فکری موجب گردیده که جرائم حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی در مقایسه با سایر جرائم با شدت و حدت بیشتری مطرح گردند؛ زیرا درحالی که در مورد سایر جرائم علی‌رغم فقدان نظارت و کنترل بیرونی بر رفتار افراد همچنان اخلاق و وجدان فردی و کنترل درونی مانع ارتکاب بسیاری از جرائم است، در مورد جرائم علیه مالکیت فکری در محیط اینترنتی نه تنها نظارت و کنترل بیرونی وجود ندارد، بلکه در بسیاری از موارد تصور نادرست مبنی بر اباحه استفاده از اموال فکری دیگران کنترل درونی را نیز زائل می‌سازد؛ زیرا افراد استفاده از اموال فکری دیگران را اخلاقاً توجیه‌پذیر می‌دانند (نظام الملکی، ۱۳۹۶: ۳۳). این واقعیت در کشورمان نیز مطرح است؛ چنانکه برخی از کاربران ایرانی گمان می‌نمایند که هزینه‌ای که بابت اتصال به شبکه اینترنت پرداخت

بسیار متداول است با شهرت و جا افتادن یک علامت و برند اشخاص مختلف مبادرت به استفاده غیرقانونی و بر ضرر منافع مالک علامت از آن می‌نمایند. مادامی که فرهنگ‌سازی درستی در این زمینه صورت نگیرد و اشخاص به حقوق و تکالیف خود به خوبی آشنا نشوند نمی‌توان انتظار داشت که حمایت‌های قانونی جامه عمل به خود ببوشد و اشخاص برای احقاق حق به مراجع قضایی مراجعه نمایند. به‌علاوه قضات نیز فردی از افراد عرف هستند و وقتی در عرف ماهیت غیرقانونی برخی اعمال به وضوح شناسایی و پذیرش نشود قضات نیز ناخواسته با رویکرد تخفیفی به دعاوی و شکایات مربوطه رسیدگی خواهند نمود.

بنابر مراتب فوق در وضعیت کنونی ایجاد مراجع قضایی استثنایی در هر یک از اشکال آن با وضعیت جاری حقوق مالکیت صنعتی، حجم دعاوی و شکایات در این زمینه و همچنین ساختار و سازمان مراجع قضائوتی ایران و نحوه رسیدگی آن‌ها هم‌خوانی ندارد و مادامی که فرهنگ و عرف عمومی کشور در حوزه مالکیت صنعتی بهبود و ارتقاء نیابد، نمی‌توان ایجاد این نوع از مراجع را انتظار داشت. به‌علاوه با توجه به محدودیت‌های موجود در حوزه مالکیت صنعتی ایجاد مراجع قضایی استثنایی، در هر یک از اشکال و صور آن مراجع، نمی‌تواند مزایای آن را به همراه داشته باشد؛ زیرا مقدمه اساسی تمامی این مزایا تقویت آموزش عمومی و تخصصی در سطح کشور در زمینه مالکیت صنعتی است تا شناخت حقوق و تکالیف دارندگان حقوق مذکور و اشخاص ثالث در این زمینه را به همراه داشته باشد و متعاقب آن با هرگونه نقض با مراجعه اشخاص به مراجع قضایی به همراه باشد. این در حالی است که، در حوزه آموزش عمومی این امر تا به امروز به درستی محقق نگردیده است و در حوزه آموزش تخصصی تنها در محدوده تهران و حومه میسر گردیده و لذا قابلیت ایجاد مراجع استثنایی در نقاط مختلف کشور، به‌گونه‌ای که برای همگان در سطح کشور امکان دسترسی فراهم باشد، وجود ندارد. این همه در حالی است که، ایجاد مراجع مذکور در این وضعیت می‌تواند برخی معایب را در سطح جدی به همراه داشته باشد. چنان‌که با توجه به کمیت حجم پرونده‌ها عملاً تنها امکان ایجاد یک یا دو شعبه در پایتخت و نهایتاً چند کلان‌شهر دیگر وجود خواهد داشت و در این وضعیت سایر اشخاص مقیم نقاط دیگر کشور عملاً امکان بهره‌مندی از این دادگاه‌ها را نخواهند داشت؛ زیرا ارزش ادعا در بسیاری از پرونده‌ها به میزانی است که مراجعه مکرر به شهر دیگر و پرداخت هزینه‌های ایاب و ذهاب و... مقرون به صرفه نیست؛ معایبی که در حال حاضر نیز،

می‌گردد در واقع هزینه دریافت تمام خدمات اینترنتی از جمله دانلود آثار فکری از قبیل قطعات موسیقی و ... است. (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

به شرحی که پیش از این ذکر گردید، نسبت به صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های عمومی تهران در رسیدگی به دعاوی و شکایت حوزه حقوق مالکیت صنعتی وفق ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و ماده ۱۳ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در عمل و رویه قضایی به وضوح مشهود است و خود افزایش موارد نقض را به همراه خواهد داشت. به‌علاوه محدود بودن تعداد شعب و کارمندان اداری نیز مانع از ایجاد ساختار منسجم، کامل و مستقل در این نوع از مراجع گردیده و این خود موجب تضعیف جدی استقلال دادگاه و تبعات سوء ناشی از آن می‌گردد. بر این اساس نه ایجاد مراجع قضایی استثنایی ممکن است و نه اختصاص برخی شعب دادگاه‌های عمومی مطلوب بوده است. لذا باید الگوی دیگری را دنبال و اعمال نمود و آن تشکیل دادگاه‌های تجاری در مراکز استان‌ها و اختصاص برخی شعب آن به دعاوی مالکیت صنعتی است. تحولی که در لایحه آیین دادرسی تجاری نسبت به دعاوی مالکیت صنعتی پیش‌بینی گردیده و باید در روند اصلاح نهایی لایحه نسبت به جرایم مالکیت صنعتی نیز تعمیم یافته و اعمال گردد.^۱

نتیجه

قلمرو حقوق مالکیت صنعتی در حقوق ایران علاوه بر مصادیق مذکور در کنوانسیون پاریس بر مبنای قوانین داخلی، یعنی قانون تجارت الکترونیکی، قانون ثبت ارقام گیاهی و قانون نظام جامع دامپروری، شامل اسرار تجاری، مدارهای یکپارچه، گونه‌های گیاهی جدید و ارقام حیوانی جدید نیز می‌گردد.

هزینه بالای بدون توجیه، زمینه‌سازی سوءاستفاده و تخلف، تضعیف عمومیت‌نگری در قضات و ایجاد تبعات سوء آن، دشواری دسترسی عمومی افراد به این مراجع و تضعیف استقلال دادگاه و تبعات سوء ناشی از آن مهم‌ترین معایب مطرح شده در زمینه مراجع قضایی استثنایی در حوزه دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی هستند. همچنین ایجاد و حفظ رویه خاص یکپارچه و منسجم

۱. البته برخی حقوق‌دانان بر مبنای تحولات و وضعیت سیستم قضایی کشور در سال‌های نه‌چندان دور معتقد بوده‌اند که حتی در صورت تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری، ساختار و تشکیلات وقت نظام قضایی ایران با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آن آمادگی و امکان پذیرش دادگاه‌های تجاری را نخواهد داشت و تشکیل این محاکم قطعاً در عمل با مشکلاتی چون کمبود امکانات، نداشتن بودجه لازم برای تشکیل این محاکم و یا عدم وجود قضات متخصص در امر تجارت به حد کافی، روبرو خواهد شد (قاسمی حامد و غفوری اصل، ۱۳۹۵: ۵۴). با این وجود به نظر می‌رسد تحولات سال‌های اخیر از جمله در تشکیل مراجع تخصصی برخی موانع را مرتفع نموده و دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران با وجود تمامی نقائص آن اقدامی شایسته و قابل تقدیر است که باید در تکمیل نقائص آن و گسترش آن در سطح تمامی مراکز استان‌ها کوشید.

در دکترین و رویه قضایی، ارتقا و بهبود وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی، بهبود و تسریع فرایند رسیدگی و صدور آرا در حوزه مالکیت صنعتی، پویایی سیستم قضایی یک کشور در زمینه تحولات علمی و عملی در حوزه مالکیت صنعتی و در نهایت بهبود حمایت از کسب‌وکار مهم‌ترین مزایایی هستند که بر مبنای مطالعات به عمل آمده در کشورهای گوناگون برای مراجع قضایی استثنایی در حوزه مذکور به اثبات رسیده است.

مدل‌های مختلف این مراجع، شامل مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و تجدیدنظر، مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی و مراجع قضایی استثنایی در مرحله تجدیدنظر، است. از این میان مدل نخست کامل‌ترین مدل‌ها از لحاظ جنبه تخصصی و حفظ صلاحیت انحصاری است و در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، که در آن‌ها حقوق مالکیت صنعتی دارای جایگاه عالی و حمایت‌های حقوقی کامل است، مورد استفاده می‌باشد. در اینجا مزایایی که برای مراجع قضایی استثنایی به واسطه رعایت جنبه تخصصی و رسیدگی انحصاری به دعاوی و شکایات حقوق مالکیت صنعتی ذکر گردید در عالی‌ترین سطح ممکن است؛ اما در مقابل مطلوبیت این مدل نسبی و تابع وضعیت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی در یک کشور و همچنین حجم دعاوی و شکایات در این زمینه است. مدل مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی، صرف‌نظر از مشکلات مربوط به هزینه فراوان و توجه‌ناپذیر ایجاد و حفظ آن‌ها، از این منظر دارای این عیب اساسی است که مراجع تجدیدنظر عمومی، با توجه به عدم اطلاعات تخصصی قادر به رسیدگی ماهوی دقیق در این‌گونه پرونده‌ها، آن‌هم با محدودیت‌های مرحله تجدیدنظر، نخواهند بود. بر این اساس برخی مدل مراجع قضایی استثنایی در مرحله تجدیدنظر را بر سایر مدل‌ها ترجیح داده‌اند. با وجود این به نظر می‌رسد ضعف عمومیت‌نگری در قضاوت در اینجا و اینکه نمی‌توان رسیدگی تخصصی مورد نظر در مراجع استثنایی را در مرحله تجدیدنظر صورت داد این نظریه را تضعیف می‌نماید. در مجموع به نظر می‌رسد به‌طور کلی مدل مراجع قضایی استثنایی در مرحله بدوی بر سایر مدل‌ها ترجیح و برتری دارد؛ چون در این مدل علاوه بر کاهش هزینه تشکیل مراجع استثنایی در یکی از مراحل نه‌تنها ایراد تک‌جانبه‌نگری مرتفع می‌شود، بلکه اساساً با توجه به رسیدگی مراجع تجدیدنظر عمومی به آرای مرجع قضایی استثنایی بدوی نظارت قضایی برای اعمال و رعایت منع زمینه‌سازی سوءاستفاده و حفظ استقلال دادگاه نیز اعمال می‌گردد.

در حقوق ایران، بر مبنای سه مؤلفه وضعیت حقوق مالکیت صنعتی و حجم دعاوی و شکایات در این زمینه و در نهایت ساختار و سازمان مراجع قضاوتی و نحوه رسیدگی آن‌ها، در وضعیت کنونی ایجاد و استفاده از مراجع قضایی استثنایی توجیهی ندارد؛ زیرا در عرف بسیاری از سوءاستفاده‌ها و

موارد نقض حقوق مالکیت صنعتی، همچون سوءاستفاده از علامت تجاری دیگری، فاقد جنبه منفی و منفور لازم است و مادامی که فرهنگ و عرف عمومی کشور در حوزه مالکیت صنعتی بهبود و ارتقا نیابد نمی‌توان ایجاد این نوع از مراجع را توجیه‌پذیر دانست؛ به‌ویژه آنکه با توجه به حجم محدود دعاوی و تمرکز مراکز دانشگاهی و پژوهشی در تهران و حومه عملاً ایجاد مراجع قضایی استثنایی تنها در تهران و حومه ممکن بوده و این امر مشکل محدودیت دسترسی سایر اشخاص در نقاط مختلف کشور برای احقاق حق خود را به همراه خواهد داشت. این امر در نهایت منجر به جری شدن ناقضان این حقوق و افزایش موارد نقض می‌گردد؛ نقیصه‌ای که در حال حاضر بر مبنای ایجاد مراجع قضایی اختصاصی در تهران وفق ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و ماده ۱۳ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در کشورمان وجود دارد.

تصویب قانون حمایت از بهبود کسب‌وکار و اشاره به لزوم تخصیص شعب اختصاصی به دعاوی تجاری نتوانسته به ایجاد الگوی مناسب مراجع قضایی در حوزه دعاوی مالکیت صنعتی بیانجامد؛ زیرا علی‌رغم آنکه در لایحه آیین دادرسی تجاری در ماده ۹ و بند ۶ ماده ۲۵ دعاوی مالکیت فکری و مالکیت صنعتی نیز در صلاحیت دادگاه‌های تجاری دانسته شده است، در ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، در شرایطی که در راستای تحویل آیین دادرسی تجاری اقدام نموده، نه تنها صرفاً از جرایم مرتبط با فعالیت‌های تجاری و اختلافات بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی را مطرح نموده و از مهم‌ترین علت مراجعات اشخاص تاجر و طرفین روابط و معاملات تجاری به دادگاه‌ها، یعنی دعاوی تجاری در بخش خصوصی که هر دو طرف از اشخاص و نهادهای غیرعمومی هستند، غافل مانده، بلکه از ذکر جرایم و دعاوی مالکیت صنعتی در صلاحیت شعب اختصاصی موضوع این بند نیز غفلت نموده است. ابهامی که در عمل نیز منعکس شده و موجب گردیده این دعاوی در دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران نیز در ردیف موارد در صلاحیت شعب اختصاصی مستقر در مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری دانسته نشود. در نتیجه این دعاوی به شکل سابق بر مبنای مقرر ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در صلاحیت شعب خاصی از دادگاه‌ها عمومی تهران، که به این دعاوی اختصاص یافته، می‌باشد و حوزه مالکیت صنعتی تا زمان تصویب آیین دادرسی تجاری از تحویل مورد نظر در قانون بهبود محیط کسب‌وکار و آثار مطلوب ناشی از آن محروم خواهد ماند.

در مجموع بر مبنای مجموع مطالعات به عمل آمده پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱. در شرایط کنونی نباید در پذیرش مراجع قضایی استثنایی به‌گونه‌ای مطلق عمل نمود و این نوع از مراجع را برای تمامی کشورها مفید دانست؛ بلکه از یک سو شرایط یک کشور، به‌ویژه از حیث

امکانات و توان اقتصادی و وضعیت مالکیت فکری در آن‌ها، و همچنین ساختار و سازمان مراجع قضאותی و نحوه رسیدگی آن‌ها را مورد توجه قرار داد و این واقعیت را لحاظ نمود که مطلوبیت این نوع از مراجع امری نسبی و تابع شرایط خاص هر کشور از جهات مذکور است. از سوی دیگر مزایای مطرح شده در مدل دادگاه‌های اختصاصی زیر مجموعه دادگاه‌های تجاری نیز قابل تحقق است؛ آن هم به گونه‌ای که معایب مرتبط با دشواری دسترسی و تضعیف عمومیت‌نگری در قضات و هزینه بالای غیرقابل توجیه متصور نباشد. بر این اساس نمی‌توان با یقین این نوع از مراجع را ساختار مطلوب برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مالکیت صنعتی دانست.

۲. در حقوق ایران الگوی اتخاذی در مواد ۸ و ۹ لایحه آیین دادرسی تجاری مبنی بر تشکیل دادگاه‌های تجاری در کلیه مراکز استان‌ها (ماده ۸)، که برخی از شعب آن به مالکیت فکری اختصاص یابد (ماده ۹)، با لحاظ اصلاحاتی که در ادامه خواهد آمد، الگوی بسیار مناسبی می‌باشد؛ زیرا دیگر نه لازم است که هزینه فراوان غیرقابل توجیه برای ایجاد مراجع قضایی رسیدگی‌کننده به دعاوی مالکیت صنعتی صرف شود و مراجع قضایی تجاری برای رسیدگی به دعاوی تجاری مختلف از جمله دعاوی مالکیت صنعتی اختصاص خواهد یافت، که قطعاً ایجاد این نوع مراجع با توجه به حجم امور تجاری در هر کشوری، صرف‌نظر از توسعه‌یافته یا در حال توسعه بودن آن، قابل توجیه است. به علاوه در اینجا ضعف و نقیصه جدی تضعیف عمومیت‌نگری نیز مرتفع خواهد گردید و با اختصاص برخی شعب به دعاوی مالکیت صنعتی ضمن اجتناب از شکل‌گیری معایب و نقیصه‌های مراجع قضایی استثنایی، در نهایت جنبه تخصصی موضوع و مزایای این نوع از مراجع در عالی‌ترین سطح خود حفظ خواهد گردید. همچنین بر مبنای تشکیل دادگاه‌های تجاری در تمامی مراکز استان‌ها نقیصه دشواری دسترسی و دستیابی عموم افراد به این مراجع مصداق نخواهد یافت.

بر مبنای مجموع مراتب فوق‌الگو و مدل مراجع قضایی استثنایی در امور تجاری، که برخی شعب آن به دعاوی مالکیت فکری از جمله مالکیت صنعتی رسیدگی نمایند، نقطه جمع مزایا و معایب مذکور برای مراجع قضایی استثنایی، به گونه‌ای که معایب شکل‌نگیرد و مزایا در عالی‌ترین سطح خود باشد، بوده و کامل‌ترین الگوی متصور برای مراجع قضایی استثنایی در کشوری همچون کشور ما، که وضعیت حقوق مالکیت صنعتی و حجم دعاوی در این زمینه به هیچ عنوان ایجاد مراجع قضایی استثنایی در این زمینه را توجیه نمی‌نماید، می‌باشد.

۳. بر مبنای نقص و ابهامات متعدد ماده ۲۹ قانون بهبود محیط کسب‌وکار و عدم اشاره آن به دعاوی مالکیت صنعتی این مقرره تغییری در مراجع رسیدگی‌کننده به دعاوی مالکیت صنعتی به همراه نداشته و تسریع در روند تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری و یا اصلاح ماده ۲۹ قانون بهبود

محیط کسب و کار از طریق افزودن یک تبصره به آن، که بر شمول صلاحیت شعب اختصاصی تجاری نسبت به اختلافات تجاری بین اشخاص خصوصی و جرایم و دعاوی مالکیت صنعتی تأکید نماید، توصیه می‌گردد.

در هر حال لایحه آیین دادرسی تجاری از منظر صرف اشاره به دعاوی مالکیت فکری و مالکیت صنعتی ناقص بوده و می‌بایست رسیدگی به جرایم مالکیت صنعتی نیز در صلاحیت دادگاه تجاری قرار گیرد. بر این اساس این اصلاح را باید در روند تصویب نهایی این لایحه مورد نظر قرار داد و اعمال نمود. تازمانی که این تحولات محقق گردد بر مبنای اشاره به ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار به جرایم مالکیت فکری لازم است در دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی دعاوی تجاری تهران اصلاح و شعب کیفری برای رسیدگی به جرایم نیز در آن منظور گردد. در گسترش این رویه به سایر مراکز استان‌ها نیز باید این اصلاحات ملاک عمل قرار گیرد.

منابع

فارسی

- اتمی، محمدحسن (۱۳۹۹)، مالکیت فکری در رویه قضایی ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- باقری، سید کامران (۱۳۹۲)، «نگاهی تحلیلی به عملکرد نظام ثبت اختراع ایران»، فصل‌نامه سیاست‌گذاری علم و پژوهش رهیافت، دوره ۲۳، شماره ۵۵.
- بهمنی، محمد علی و حسنی شیخ عطار (۱۳۹۷)، «قابلیت داوری دعاوی حقوق مالکیت فکری نیازمند ثبت»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۳۵، شماره ۵۸.
- پورنوری، منصور (۱۳۸۳)، حقوق مالکیت معنوی در دادگاه علامت تجاری و اختراعات، تهران: انتشارات مهد حقوق.
- حبیبی، سعید و زهرا شوشتری (۱۳۹۹)، «نظم عمومی و داوری پذیری دعاوی مالکیت فکری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۰.
- حبیبی، سعید و معلی، مهدی (۱۳۹۴)، حمایت حقوقی از نوآوری‌های زیست فناوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حبیبی، سعید و فرزانه شاکری (۱۳۸۹)، «دادگاه‌های مالکیت فکری در کشورهای جنوب شرقی آسیا»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
- رئیسی، لیلا (۱۳۸۸)، نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی، تهران: انتشارات جنگل.
- رهبری، ابراهیم و حسنی سنگانی، وحید (۱۳۹۸)، حقوق رقابت در عرصه مالکیت‌های فکری، دوره دو جلدی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- زینالی، توحید (۱۳۹۷)، دعاوی مالکیت معنوی در رویه دادگاه‌ها، تهران: انتشارات چراغ دانش.
- سیدین، علی و مهدی کارچانی (۱۳۹۹)، «علامت تجاری عام؛ احراز فقدان و زوال تمایز بخشی در پرتوی پرونده «اکبرجوجه»»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۱.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۶)، آیین دادرسی مدنی، دوره سه جلدی، چاپ سی و هفتم، تهران: انتشارات دراک.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین‌المللی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صادقی، محسن (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نقش قوانین مالکیت فکری در بهبود محیط کسب‌وکار: با نگاهی نقادانه به حقوق ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی بهبود محیط کسب‌وکار.
- صادقیان ندوشن، مهرداد (۱۳۹۷): بررسی تطبیقی لزوم ایجاد مراجع تخصصی رسیدگی به دعاوی مالکیت معنوی، تهران: دبیرخانه کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۵)، «موسیقی در اینترنت»، مجله پژوهش و سنجش، سال ۱۳، شماره ۴۵ و ۴۶.
- عباسی، سیمین و بابک اخگر (۱۳۹۱)، مدیریت حقوق مالکیت فکری (اختراع، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی)، تهران: انتشارات جنگل.
- عبدی پور، ابراهیم (۱۳۹۲)، لایحه تجارت (باب اول و ششم) و لایحه آیین دادرسی تجاری، قم: انتشارات کعبه دل.

- قاسمی حامد، عباس و غزل غفوری اصل (۱۳۹۵)، «لزوم احیای دادگاه‌های تجاری در ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۷۳.
- مصاحبه با محمد حسن کیانی با عنوان «جدیدترین آمار قبت علامت تجاری در ایران»، در خبرگزاری میزان مورخ ۱۳۹۵/۳/۳ قابل دسترس در:
<https://www.mizanonline.com/fa/news/176831>
- نظام الملکی، جعفر (۱۳۹۶)، حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نظام الملکی، جعفر (۱۳۹۷)، حمایت حقوقی از نوآوری‌های زیست فناوری بر اساس نظریه متن باز با تأکید حقوق ایران، رساله دکتری حقوق خصوصی، قم: دانشکده حقوق دانشگاه قم.
- نقی زاده، محمد و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی چالش‌های قانونی و حقوقی مالکیت فکری در تجاری‌سازی محصولات زیست فناوری»، فصلنامه رشد فناوری، سال دوازدهم، شماره ۴۷.

انگلیسی

- de Werra, Mr. Jacques (2019), "A closer look at specialized intellectual property courts", **Wipo Magazine**. Available at:
https://www.wipo.int/wipo_magazine/en/2019/03/article_0005.html
- Holzapfel, Henrik and Königs McDermott Will & Emery, martin (2019), Patents. Available at:
<https://gettingthedealthrough.com/area/25/jurisdiction/11/patents-germany/>
- International Bar Association Intellectual Property and Entertainment Law Committee (2007), **International Survey of Specialised Intellectual Property Courts and Tribunals**, International Bar Association, London.
- International Intellectual Property Institute (IPI) and the United States Patent and Trademark Office (USPTO) (2012), Study on Specialized Intellectual Property Courts, 25 January. Available at:
<https://iipi.org/wp-content/uploads/2012/05/Study-on-Specialized-IPR-Courts.pdf>
- Li, Xuan and M. Correa (2009), **Intellectual Property Enforcement International Perspectives**, Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham.
- Pinyosinwat, Jumpol, (2010) **A Model for Specialized Intellectual Property Court in Developing Countries**, A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Laws, Faculty of Law, Waseda University.
- Supreme Court of Japan (2019), **Intellectual Property High Court**, Tokyo Court Complex.